

## وحدت بین الافغانی در استرالیا!!

ضیا ناشر هفته نامه "افق" استرالیا



اگر قلمرو موجود افغانستان را در نظر بگیریم هویداست که درین مرز وبوم اقوام، زبانها و مذاهب اسلامی و غیر اسلامی وجود داشته که مردمان آن در بستر زمان با روحیه برادری زیست باهمی کرده اند. هرچند اقوام، زبانها و در مواردی هم مذهبیان در مناطق جغرافیایی معین به زنده گی گروهی ادامه داده اند، اما به وضاحت دیده شده که در پایتخت، مراکز ولایات و شهر های بزرگ افغانستان، غیر از ساکنان بومی، تعداد کثیر هم میهنان با زبانها، قومیت ها و مذاهب مختلف به کار وزنده گی مشغول شده اند و هیچگاهی صدایی به گوش نرسیده که در آنجا به غیر از ساکنان بومی دیگران حق کار و زنده گی را نداشته باشند.

تاریخ شاهد است که طی بیشتر از صد سال اخیر، حاکمان و رژیمهای مستبد دانسته یا ندانسته به عنوان حمایت از اقوام پشتون و زبان پشتو به یک دست اقدامات پشتون و پشتو بر تری دست زده اند که یک مقدار برای تعداد معین مفید بوده اما در کلیت امر هیچ گونه مفادی به قاطبه برادران پشتون ما نرسانده اند. چنانچه اکثر مردم مناطق پشتون نشین کشور خود را می بینیم که از ابتدایی ترین امکانات زنده گی برخوردار نیستند.

طوریکه در سخن هفته قبیلی اشاره شد، از گذشته به ویژه از کودتای هفت ثور و تا امروز از رهبران رژیمها تا رهبران تنظیمها و هواداران شان پیوسته تلاش کرده اند از نامهای قوم، زبان، منطقه و مذهب به حیث ابزار استفاده کنند و در نتیجه در برابر رسیدن به اهداف شان نه تنها صدمات جبران نا پذیر جانی ومالی بلکه شیرازه وحدت ملی و حس برادری و باهم زیستن را در کشور ما نیز لطمه زدند. از جانب دیگر با استقرار رژیم کودتای ثور، مردم ما به کشور های همسایه و سایر کشور ها به مهاجرت پرداختند که دامنه آن روز تا روز گسترش یافت و تا زمانی که افغانستان بزرگترین رقم مهاجرت را در جهان کمایی کرد.

وقتی افغانها از کشور شان بیرون شدند، زیاد کسان با خاطرات تلخ ناشی از لشکر کشی های اقوام علیه یک دیگر توسط رژیم کودتای چون ( گلم جمع - اوزبک ) و همچنان جنگهای تنظیمی که هزاران هموطن ما به نام هزاره، پشتون، پغمانی، پنجشیری و به همینگونه زیر نامهای خلقی، پرچمی، شعله یی، جمعیتی، گلبدینی، سیافی... به قتل رسیده اند، این دست افراد عقده ها و درد های شان را نیز به هر جایی که رسیدند، با خود بردند. از همین جاست که این درد ها اگر از یک طرف در بسیج مصیبت زای همدیگر موثر واقع شده است، از جانب دیگر شدید ترین صدمه را در وحدت ملی تاریخی مردم ما به وجود آورده است.

## واما در استرالیا!

هزاران افغان با خانواده های شان در همه ایالت های استرالیا بخصوص در سیدنی، ملبورن، ادلاید، پرت، کوینزلیند به سر می برند. به وضوح معلوم میشود که بیش از هر قوم منسوب به افغانستان برادران هزاره ما کوشش کرده اند که در محل های معین باهم زیست کنند، به خوشی یا غم همدیگر برسند، در مساجد و مراکز اسلامی یک جا باشند و حتی به کار های روزمره با یکدیگر هم نوایی کنند، بیزنس های شان نزدیک هم باشد و ... اما متأسفانه روابط آنها با سایر افغانها و چه روابط سایر افغانها با هزاره ها کم رنگ است. این حقیقت در محافل، مجالس، جشن ها و یا به اصطلاح در خیر و شر نمودار است.

در قدم بعدی به ملاحظه میرسد که هر چند خانه ها و بیزنس های برادران پشتون ما نه چندان باهم نزدیک است، اما روابط ذات البینی شان قسماً محکم و با رفت و آمد ها و با شرکت کردن در مراسم خوشی و اندوه و پشتیبانی از همدیگر اتحاد و اتفاق بیشتر دارند.

وقتی به تاجک ها نظر اندازی شود، می بینیم که جوش و خروش وابسته گیهای قومی، زبانی و حتی قرابت و خویشاوندی در میان شان کمتر به ملاحظه می رسد. به همینگونه برادران قزلباش ما بیشترین پیوسته گی های شان اگر در مساجد و شرکت در مراسم شادی و اندوه تجلی نماید.

باز هم تأسف که در بسیاری از موارد دیگر چون مناسبتهای دینی، فرهنگی، ملی و حتی در مسایل شادی و اندوه، وحدت حضوری و اشتراکات مجموعی افغانها بسیار کم رنگ و حتی بی رنگ به مشاهده می رسد. شما حتماً متوجه شده اید که در مراسم جنازه یا فاتحه برادران هزاره شرکت تاجکها، پشتونها ... اندک است. همچنان در مراسم جنازه یا فاتحه پشتونها و تاجیک ها حضور هزاره ها بسیار ناچیز.

هرگاه بصورت کل وحدت ملی را فرا تر از مرزهای قومی، زبانی، مذهبی و منطقوی در نظر بگیریم دیده میشود که هزاره ها با وجود وحدت و هماهنگی بی که میان شان به نظر میرسد، آنها نیز از اختلافات داخلی (به ویژه سیاسی) رنج می برند. به همینگونه پشتونها و تاجک ها و سایر اقوام که گاهی گلبدینی ها، جمعیتی ها، خلقی ها، پرچمی ها، شعله بی ها (که خود را نشان نمی دهند) ... (صرف نظر از پاره بی نا همگونی ها) دور هم جمع میشوند، اما این پدیده بیش از آنکه در بسیج همگانی نقش داشته باشد، از هم پاشیده گی ها را به وجود آورده است. خوب است نمونه ای را مورد توجه قرار دهیم:

در محفلی که به مناسبت بزرگداشت شهید عبدالعلی مزاری در منطقه گرانویل (حومه سیدنی) از طرف انجمن کاتب هزاره برگزار شده بود، هوا خواهانش با شور و اشتیاق فراوان شرکت کرده بودند که با وجود وسعت تالار تعداد زیاد مردم بدون چوکی ایستاده بودند. دران میان من به خاطر تهیه گزارش به هفته نامه "افق" رفتم، به حد کافی کوشش کردم تا هموطنان غیر از هزاره را درانجا ببابم، موفق نشدم.

همچنان در چندین محفلی که به مناسبت هفته شهید که دران بیش از همه تاکید بر چگونگی احوال شهید احمد شاه مسعود در منطقه کستل هیل (سیدنی) صورت گرفته است، بیشترین افراد شرکت کننده و بیانیه دهنده، مردمان محلی و منطقوی و ندرتاً اقوام تاجک و در سطح بسیار کم رنگ شرکت هموطنان پشتون

و هزاره ویا قزلباش را یافتیم. با تفاوت اینکه در برنامه سیزدهمین سالروز شهادت احمد شاه مسعود (هفته شهید) عکسها، پوستر ها و کارنامه های تعداد زیادی از شهدای مربوط به احزاب و اقوام مختلف افغانستان مورد توجه قرار گرفته بود که این عمل در راه ایجاد روحیه وحدت ملی ستودنیست.

هموطن عزیز! زهری به نام نفاق که از سالها به وسیله عده بی از ستمگران داخلی و دشمنان خارجی در پیکر جامعه ما زرق شده خسارات جانکاه و ویرانگر آن را مردم ما با گوشت و پوست احساس کردند. هر کس حق دارد به حمایت، صیانت و حفاظت خودش، خانواده، قوم، زبان و منطقه اش از جان و دل گرایش داشته باشد، اما این نکته را فراموش نکنیم که ما همه فرزندان مام میهن یا فرزندان خانواده بزرگ ما ( افغانستان ) هستیم. نمیتوانیم که اصل، نسب و زادگاه خود و اجداد خود را عوض کنیم. بیش ازین اجازه ندهیم که اشخاص، افراد و گروه ها به نام زبان، منطقه، مذهب، قوم، حزب ... خواستهای ناروای شان را بر ما تحمیل کنند. ما همه در سرزمین غربت به سر می بریم، بیائید الگویی از وحدت و برادری را ازین دیار امن و همدیگر پذیری به همه افغانها در همه جا به ار مغان بگذاریم. که انشاءالله.